

صبا

دهمین جشنواره بین المللی
نمایش عروسکی تهران

سه شنبه ۲۴ شهریورماه سال ۱۳۸۲



روزنمایش صربستان



ماسیما شوستر در تهران

سه کنفرانس مطبوعاتی برای گروه‌های خارجی

کنفرانس مطبوعاتی و برنامه پرسش و پاسخ با گروه‌های خارجی شرکت کننده در دهمین دوره جشنواره بین‌المللی عروسی تهران - مبارک هر روز ساعت ۱۰/۳۰ تا ۱۳/۳۰ در تالار کنفرانس خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود.

به گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی، گروه‌های خارجی شرکت کننده هر روز پس از اجرای شب پیش خود در جلسه‌ای یک ساعته با علاقه‌مندان تئاتر عروسی و نماینده‌های رسانه‌های گروهی به بحث و تبادل نظر خواهند پرداخت.

سانس دوم تالار هنر لبریز از تماشاگر

اجرای دوم نمایش مادر بزرگ ملاقات دارد، دیروز در تالار هنر با استقبال مواجه شد به طوری که سالن لبریز از تماشاگر بود.

ترجمه همزمان یک نمایش

برخلاف اجرای آلمان اجرای روسیه در تالار چهارسو با مترجم همراه بود گرچه مترجم یک خط در میان‌داستان نمایش عقب می‌افتاد.

پای مسوول نور شکست

دیروز هنگام اجرای نمایش "سه بچه خوک" به دلیل تاریکی سالن مسعود رحیم‌پور دستیار کارگردان و مسوول نور گروه زمین خورد و پایش شکست. به همین دلیل اختلالاتی در گروه پیش آمد. کار باناهماهنگی اجرا شد و مصدوم با اورژانس به بیمارستان امید انتقال یافت.

فردا این نمایش‌ها را ببینید



ماسیما شوستر که در آخرین کنگره یونیماسیما ۲۰۰۴ به‌عنوان رئیس برگزیده شد صبح دیروز برای شرکت در دهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسی تهران - مبارک وارد تهران شد. اوی در نخستین روز حضور خود از اجراهای ایرانی و خارجی و نمایش‌های خیابانی دیدار کرد. سپس در نشست‌هایی با دکتر خسرو نشان - دبیر جشنواره - و بهروز

نشان طلایی شهر "نیش" برای دکتر نشان

اعضای گروه تئاتر صربستان با حضور در دفتر دکتر خسرو نشان مدیر مرکز هنرهای نمایشی و دبیر دهمین جشنواره بین‌المللی عروسی تهران - مبارک، نشان طلایی شهر "نیش" را از سوی شهردار شهرشان به نشانه دوستی به وی تقدیم کردند.

در این دیدار رئیس مرکز هنرهای نمایشی نیز آرزو کرد که از این پس روابط فرهنگی و تبادل گروه‌های نمایشی در کشور صربستان و ایران تداوم داشته باشد و هر دو کشور بتوانند در اعتلای فرهنگی کشورهاشان به یکدیگر یاری رسانند.

تخفیف برای دانشجویان

دانشجویان تئاتر می‌توانند مانند روال قبل با گرفتن یک نامه از روابط عمومی جشنواره از تخفیف دانشجویی بهره‌مند شوند. میزان این تخفیف حداکثر ۵۰ درصد خواهد بود. قیمت بلیت تالارهای وحدت و اصلی ۴۰۰۰ تومان و دیگر سالن‌ها ۳۰۰۰ تومان است.

پلاک‌های تخت جمشید

تمام گروه‌هایی که نمایششان را روز اول اجرا کردند، هدیه‌هایی گرفتند که هیجان زده شان کرد. این هدیه‌ها پلاک‌هایی از تخت جمشید بود که به تمام گروه‌های خارجی اهدا شد.

پیش فروش بلیت نمایش‌های جشنواره تئاتر عروسی

بلیت تمامی نمایش‌هایی که در دهمین جشنواره بین‌المللی عروسی تهران به‌روزی صحنه خواهد رفت، پیش فروش می‌شود.

به گزارش روابط عمومی مرکز هنرهای نمایشی، از روز یکشنبه ۲۲ شهریور علاقه‌مندان به نمایش‌های عروسی می‌توانند با مراجعه به گیشه سالن‌های برگزار کننده جشنواره بلیت نمایش‌های مورد نظر خود را از پیش خریداری کنند.

علاقه‌مندان می‌توانند از روز یکشنبه ساعت ۱۶ برای تهیه بلیت‌های نمایش به تالارهای نمایش مراجعه کنند.

نمایش‌های دهمین جشنواره بین‌المللی عروسی تهران - مبارک در تالارهای وحدت، تالار سنگلج، تالار هنر و مجموعه تالارهای نمایشی تئاتر شهر اجرا می‌شوند.

تغییر سالن خرس عروسی

قرار بود نمایش "خرس عروسی" محصول روسیه در تالار وحدت اجرا شود اما چون این نمایش با تالار وحدت همخوانی نداشت. در تالار چهار سو اجرا شد.

قرار شد نمایش "خرس عروسی" روز سه‌شنبه یک اجرای ویژه نیز در تالار تجربه عروسی خانه هنرمندان داشته باشد.

به‌جای "خرس عروسی" نمایش علاءالدین از کشور آذربایجان در تالار وحدت اجرا شد.

- سپید برقی (شیوا صفوی - تهران)
- ۱۷ - ۱۹ تالار وحدت.
- تخیلات جنگ و صلح (تاجیکستان)
- ۳۰ - ۳۰/۳۰ - ۱۸/۲۰ تالار اصلی.
- ماه پیشونی (آزاده انصاری، تهران)
- ۳۰ - ۱۸/۳۰ - ۲۰ تالار چهارسو.
- هیچکی نبود (زهره بهروزی نیا، تهران)
- ۳۰ - ۱۷/۳۰ - ۱۹ تالار سایه.
- وارپته عروسک‌ها (پرتغال) ۱۷ - ۱۹
- تالار قشقایی.
- قلی خان عاشق (محسن ساسانی، اراک)
- ۳۰ - ۳۰/۳۰ - ۱۷/۱۹ تالار خورشید.
- جیران (علیرضا همتیان، بیجار) ۳۰/۱۹ - ۱۷ تالار کوچک.
- حدیث مرد ماهیگیر (فرانک سعیدی آریا، تهران) ۱۷ - ۱۹ تالار نو.
- مغازه، مراسم ازدواج دو کچل: زن شجاع (چین) ۱۷ - ۱۹ سنگلج.
- آقا مارال (ترکمنستان) ۱۷ - ۱۹ تالار هنر.
- مینا و بلنگ (فاطمه جعفری، تهران)
- کارگاه تجربه خانه هنرمندان ایران.
- خورشید حسنت (حسن عباس زاده، بیرجند) ۱۸ - ۲۰ تالار گفت‌وگو خانه هنرمندان.

صدای عروسک‌ها

علی‌راضی

وقتی نمایش عروسکی از روسیه می‌آید ابراتسوف (obratsov) غول تئاتر عروسکی به ذهن می‌آید. اما در دهمین جشنواره عروسکی تهران "خرس عروسکی" به کارگردانی "گنادی شوگولوف" از تئاتر دولتی شهر ساراتوف، کنار رودخانه الگا در مرکز روسیه، مهمان است. اجرای این گروه در دست کارهای ویژه کودکان قرار می‌گرفت، از ویژگی حضور همزمان عروسکی گردان‌های مشکی پوش روی صحنه برخوردار بود و تصویر سازی قابل قبول و نه فراتر از اندازه‌های تئاتر ما داشت.

بچه‌ها کار می‌کنم در واقع در قسمت مهمی از زندگی‌ام درگیر این موضوع هستم که اگر من عروسک بدم یا روزی عروسک بشوم چطور حرکت می‌کنم، راه می‌روم و ...

و در واقع دچار چه ریتمی می‌شوید. ریتم عروسک‌ها خیلی مربوط است به چشم‌ها، اندازه اندام، رنگ و صدای

عروسک... شما مسیر پیدایش این ریتم را چطور پیدا می‌کنید؟ بعد از آماده شدن متن یا در مسیر تمرین‌ها؟

تمرین‌ها برای ما مهم‌ترین مرحله است. در روزهای تمرین بیشتر از همه چیز به صدای عروسک‌ها و چگونه حرکت کردن شان فکر می‌کنیم. من به بازیگرها توصیه می‌کنم به اطراف دقیق‌تر شوند.

شما هم به طور طبیعی تأثیر گرفته از مسیر تئاتر عروسکی از قرن نوزدهم به بعد هستید. هر چند که امروزه گرایشی وجود دارد برای بازگشت به قرن شانزدهم و هفدهم. یعنی وقتی اغلب عروسک‌ها صورت مشخصی نداشتند و حرکت اندام واره شان اصل بیان شان بود.

این‌ها مسائل اصلی تئاتر عروسکی است. ما ناگزیریم از موجوداتی که خودمان می‌سازیم و بعد از خیال‌هایمان تبدیل به واقعیت می‌شوند...

تئاتر عروسکی روسیه به خصوص اگر مخصوص کودکان باشد ذهن من را به سمت شیوه ابراتسوف می‌برد. منظور شکلی از اجرا است که در عین سادگی دکور، رنگ‌ها، اهمیت زیادی دارند و با استفاده از آنها است که تصاویر ساخته می‌شوند...

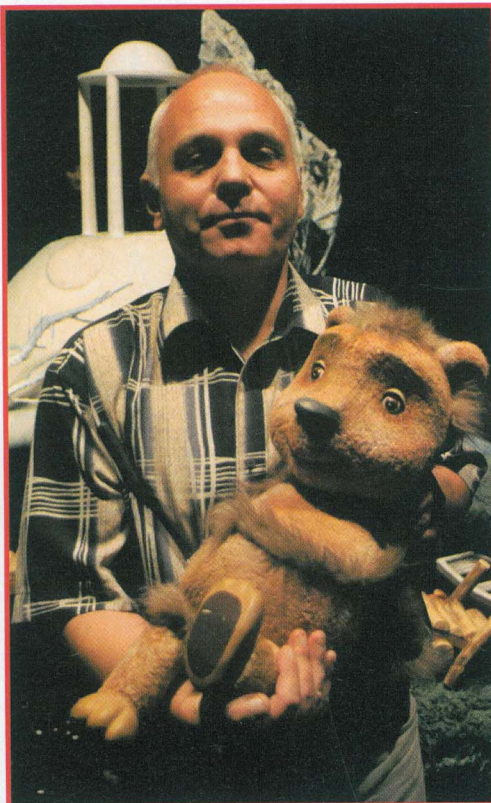
اشاره شما درست است. به هر جهت تئاتر عروسکی روسیه و حتی دنیا از ابراتسوف تأثیر می‌گیرد. اما در مورد گروه خودمان می‌توانم این طور توضیح بدهم که ما از استیل و روش به خصوصی پیروی نمی‌کنیم...

یعنی به عنوان مثال حضور همزمان عروسک گردان‌ها روی صحنه روش همیشگی شما نیست...

بله، ما در حال حاضر سی اجرای آماده داریم که از روش‌های مختلف عروسک گردانی استفاده می‌کنند.

در مورد کارکرد متفاوت این شیوه‌ها چه نظری دارید، وقتی اجرایی که عروسک گردان‌ها روی صحنه هستند را می‌بینم بیشتر به این تعبیر نزدیک می‌شوم که عروسک شکل چنم یا درونی خود ماست که شکل بیرونی یافته ...

در این باره خیلی می‌شود فکر کرد. به خصوص من که بیشتر برای



"بیلیانا وویویچ" مدیر تئاتر عروسکی در صربستان و مونتنگرو:

همه سایه‌ها عروسک‌اند

"بیلیانا وویویچ" مدیر بخش تئاتر عروسکی صربستان و مونتنگرو و بازیگر نقش اول تئاتر "سایه در شب" نمایش اجرا شده در دهمین جشنواره تئاتر عروسکی تهران است. این نمایش در روز اول با استقبال مخاطبان روبرو شد. مجید توکلی

شناخت شما را تئاتر ایران تا چه اندازه است؟

متأسفانه باید بگویم که اطلاعات و شناخت من از ایران و تئاتر ایران ضعیف است ولی به میمنت وجود مرکز فرهنگی در صربستان که به ما نشریات زیادی درباره تمدن ایران ارائه داد توانستیم اطلاعات بسیاری را به‌دست بیاوریم و بایاعتراف کنیم که ایران برای ما یک کشور جدیدی بود. در مورد نمایش "سایه در شب" و تکنیک‌هایی که در آن

به کار برده‌اید، یعنی تکنیک سایه و نور، صحبت کنید؟

در نمایش اجرا شده تنها تکنیک سایه و نور حاکم است و فکر می‌کنم با به‌کارگیری از این تکنیک به‌راحتی می‌توان با مخاطب ارتباط برقرار کرد.

از شیوه سایه بازی در تئاتر هند چقدر الهام گرفتید؟

سی سال قبل ما از شیوه و تکنیک‌های هندی استفاده می‌کردیم ولی امسال به این نتیجه رسیدیم که با بکارگیری از تکنیک‌های عروسکی

مخاطب بزرگسال را هم جذب این نمایش کنیم.

ویژگی اصلی نمایش ما این است که هر بار که ما آن را اجرا می‌کنیم نو و تازه است و تا به‌حال پیش نیامده که نمایش اول ما با نمایش دوم یکسان باشد. مایه افتخار من است که با گروه نمایش در کشور ایران بسر می‌بریم. کشوری که تماشاگران تئاتری‌اش از شعور و فرهنگ بالایی برخوردار هستند.

تفاوت امکاناتی که در ایران برای نمایش سایه در شب

در اختیارتان گذاشته با کشور خودتان به چه صورت بود؟

شایدباورتان نشود ولی باید بگویم که مسؤولین بهتری وسایل را در اختیار ما گذاشتند حتی بهتر از وسایلی که برای اجرای این تئاتر در کشور خودمان در اختیارمان گذاشتند. ایران بهترین برگزار کننده فستیوالهایی بوده که ما در آن شرکت کردیم.

این عروسک‌های ۴۰ سانتی!

این به خاطر عدم توانایی عروسک‌ها در روایت که نبود...

نه به هیچ وجه اما لزومی نمی‌دیدم که یک سری جاها که کنش خاصی در صحنه حاکم نیست و همه چیز دیالوگ است را عروسک‌ها انجام دهند و مسؤولیت آن را به‌عهده بازیگران گذاشتم.

باتوجه به اینکه عروسک‌های شما حداکثر ۴۰ سانت هستند کدام سالن را مناسب برای اجرای نمایشتان می‌بینید؟

سالن‌هایی که کوچک باشند. مثل تالار نو، تالار خورشید - سالن شماره (۲)، سالنهایی باید باشد که تماشاگر بتواند از فاصله نزدیک نمایش را ببیند.

اسطوره‌ای و افسانه‌ای هستند و برای تبدیل به یک کار عروسکی بزرگسال و نوجوان مناسب به نظر می‌رسند. عروسک‌ها از نوع عروسک‌های کوچک رومیزی هستند و در سایز ۴۰ سانت طراحی شده‌اند. البته به نوعی هم زنده عروسکی هستند.

یعنی عروسک گردانها بدون روبند هستند؟

بله، این نمایش پایان‌نامه من هم بود و عروسک‌گردانان روبنده داشتند و می‌خواستم اجرای جشنواره با پایان‌نامه‌ام فرق داشته‌باشد. در ثانی دلیلی برای پنهان کردن عروسک‌گردانان نداشتم. یک قصه داشتم که گاه روایت آن با بازیگر بود و گاه با عروسک‌ها.

"سلما محسنی" فارغ‌التحصیل سال ۸۰ از دانشگاه هنرهای زیباست. در چند گروه‌هنری به‌عنوان عروسک‌گردان و طراح لباس عروسکی حضور داشته‌است و حالا نیز در جشنواره عروسکی کارگردان نمایشی است.

درباره داستان نمایشتان کمی توضیح دهید.
داستان برگرفته از افسانه "رپونزد" است و شعری از "گسری عنقلی". داستان زن و مردی است که صاحب فرزند نمی‌شوند و ساحره‌ای که وارد زندگی آنها می‌شود. کلاً افسانه‌ها و قصه‌ها قابلیت اجرا برای یک نمایش عروسکی را دارند و به دلیل فانتزی بسیار بالایی که دارند به نظر من کاملاً عروسکی هستند. همچنین شخصیت‌ها

عروسک‌هایم رئالیستی نشده در حالی که چهره‌آنها کاملاً کلاسیک و رئالیستی است. اما بدن‌ها نه. "از کارگردان درباره سالن مناسب این نمایش می‌پرسم، او می‌گوید: "چون یکی از تابلوهای کارم در سالن انتظار اجرا می‌شود باید سالنی در اختیارم باشد که سالن انتظار داشته‌باشد. سالن‌های سایه‌مولوی، قشقایی یا چهارسو از این حیث بهتر هستند. بعد از تمرینات چهره‌خسته "ستاره پسیانی" را می‌بینم. سرآغش می‌روم، می‌گوید: "عروسک‌ها را خیلی دوست دارم ولی کم‌کم دارم خسته می‌شوم." گویا "پسیانی" سر دو نمایش عروسکی و تمرینات سه نمایش زنده برای اجرای عموم است و احتمالاً تمام روزش را در حال تمرین می‌گذراند. خودش باناله می‌گوید: "بعد از جشنواره عروسکی یک هفته فقط می‌خواهم بخوابم!"

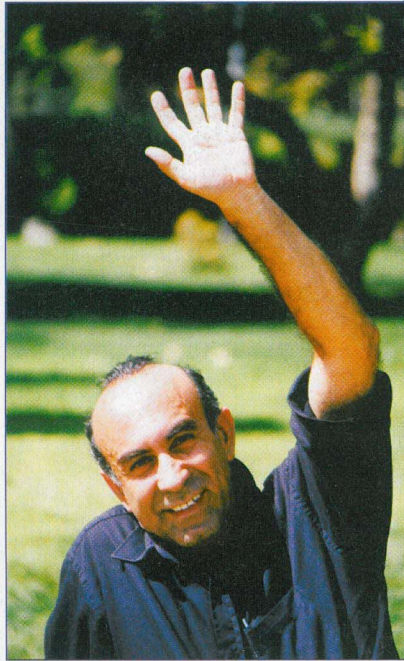
یک "واکمن" کوچک تمام سهم گروه از امکانات موسیقی است. صدای موسیقی خیلی کم است به طوری که خیلی وقت‌ها صدای موسیقی شنیده نمی‌شود. این را هم به آن اضافه کنید که گاه باطری واکمن ضعیف می‌شود و صدای موسیقی کش می‌آید! وقت استراحت است. تمام حرف‌های گروه در زمان استراحت هم درباره بازیابی و ساخت عروسک و مشکلاتی است که در حین ساخت عروسک‌ها داشته‌اند. "مریم معینی" می‌گوید: "تکنیک اجرایی ما سیاه - برگرفته از تراکوی ژاپن - است. هر عروسک سه عروسک‌گردان دارد. اما چون عروسک‌های ما (پا) ندارند برای هر عروسک دو عروسک‌گردان در نظر گرفته‌ایم. خودش از ساخت عروسک‌هایش آنقدر ها راضی نیست و می‌گوید: "آنچه می‌خواستم نشد. بدن

اینجا اداره تئاتر است. تمام طبقات درگیر بنایی و تعمیر هستند. بوی رنگ و وسایل مختلف راهروها مانع می‌شود تا سالن مورد نظر را پیدا کنم. طبقه سوم اتاق (۳۳). لایلا مدن‌پور، المیراطالی، ستاره پسیانی و... وسط صحنه مشغول اتود زدن هستند. و مریم معینی - کارگردان - آنها را راهنمایی می‌کند. علی - معینی که هم عروسک‌گردان و هم آهنگساز است گوشه‌ای نشسته و نکاتی را یادداشت می‌کند. "معینی" از داخل یک کیسه بزرگ چند عروسک را بیرون می‌آورد یک عروسک پیرزن، یک دختر و یک مرد. دو تا از دخترهای گروه عروسک‌گردان عروسک‌دختر هستند و "ستاره پسیانی" به همراه آنها اتود می‌زند. "معینی" در این باره می‌گوید: "نمایش ما یک نمایش زنده - عروسکی است و هم عروسک و هم انسان در آن نقش اساسی دارند."

گزارشی از تمرین نمایش "روی ماه نام تو رادستی نوشته‌است" به کارگردانی "مریم معینی"

جشنواره عروسک‌ها





بگذارید از جشنواره شروع کنیم. شما یکی از فعالان عرصه عروسکی هستید که هر دوره هم حضور خوبی در جشنواره دارید؟

خب ما عادت کردیم مناسبتی کار کنیم. حسش به این است که در این دوران خیل عظیمی از نمایشگران عروسکی دور هم جمع می‌شوند و با یک هدف کار می‌کنند اما اشکال این است که با تمام شدن جشنواره همه چیز رها می‌شود. از طرف دیگر ما گروههای متعددی را از خارج با هزینه‌های هنگفت می‌آوریم اما اغلب بچه‌های عروسکی چون درگیر کار خودشان هستند فرصت نمی‌کنند کارها را ببینند. در حالی که دین از هر چیزی سودآورتر است.

قبول دارید میان آثار نمایش خارجی که هر دوره در جشنواره می‌بینیم و آثار داخلی تفاوت بسیار زیادی است خصوصاً در بخش تکنیکی و ساخت عروسک؟ چرا اینقدر فاصله داریم؟

به خاطر همین ندیدن و دیگر اینکه برای هر جشنواره باید حداقل از دو سال قبل برنامه‌ریزی کنیم نه اینکه در فرصتی یک ماهه یا کمتر کاری را به جشنواره برسانیم. فرق به همین سادگی است.

قبول اما همه عروسکی‌ها می‌دانند که هر دو سال یکبار جشنواره‌ای هست. پس فرصت برای فکر کردن و رسیدن به خلاقیت دارند.

قبول اما پس دیدن چه می‌شود. مکرر دین و درست دیدن. واقعاً فکر می‌کنید ما چند نفر داریم که رفته‌اند خارج از کشور و کار عروسکی دیده‌اند و برگشته‌اند و نگاه تیز بینانه‌شان را بادیای تجربه همراه آورده‌اند! در حالی که اکثر گروه‌های عروسکی خارجی گاه سال‌ها با یک کار دنیا را می‌چرخند و کارشان را اجرا می‌برند و در این سفرها عروسک گردان‌ها و طراح و ... شلاق می‌خورند و پخته می‌شوند.

من که در دانشگاه دارم تدریس می‌کنم چقدر راجع به ساخت و ساز عروسک هر روز خودم را متحول می‌کنم تا بتوانم دانشم را به دانشجو منتقل کنم؟

قبول کنید کمی هم تنبل شده‌ایم؟

قبول می‌کنم. ببینید ما اینجا موادی به راحتی و ارزانی در اختیار داریم که در اروپا و دیگر جاها به این راحتی در دسترس نیست. مثلاً همین فوم (یونولیت) یا سفنج، ما چون نفت داریم و اینها از نفت ساخته می‌شود راحت و ارزان در دسترسمان است اما مثلاً یک دوست استرالیایی دارم که در یکی از نامه‌ها نوشته بود شما اسم سفنج را شنیده‌اید؟ این ماده چطور برش می‌خورد؟ و من برایش در نامه‌ای توضیح دادم خب استرالیا قطعاً جزو کشورهای عقب مانده نیست.

به کارهای امسالتان در جشنواره برسیم. گویا دو کار دارید؟

بله یکی‌اش اسمش هست توشهر ما چه خبره؟ نمایشی است در باره ترس و یکسری عروسک‌ش دارد و یکسری عروسک خوب که البته عروسک‌های خوب، عروسک‌های متفاوت با خصوصیات متفاوتی دارند. تکنیک ساختش چیزی شبیه عروسک‌های بونراکو است.

قابلیت ارتباط با کدام گروه سنی را دارد؟

نوجوان به بالا. ممکن است با بچه‌ها هم ارتباط بگیرد اما ترجیح می‌دهم از سن ۱۲ سال به بعد تماشاگر کارم باشند.

و کار دوم؟

آن را تقدیم می‌کنم به دوست عزیزم صمیمی مفخم اصلاً کار متعلق به او است. این نمایش که "چه خبره، چی شده؟" سال ۵۱ اجرا شد و سرمنشأ تمام عروسک‌هایی است که امروز می‌بینید. عروسک‌های این کار آماده است و تنها تعدادی را باز سازی کردیم. طراح ساخت عروسک‌ها هم مرحوم صمیمی مفخم است و من کارگردان کار.

گفت و گو با مریم کاظمی

شاید بهتر باشد... را محک بزنی و بعد...

سعید زین‌العابدینی

هر چند که شروع فعالیت‌های عروسکی "مریم کاظمی" به ده سال قبل یعنی سال ۱۳۷۳ برمی‌گردد؛ اما او پیش‌تر به‌عنوان بازیگر در بسیاری از نمایشهای گروه تئاتر بازی حضور داشت و یکی از بازیگران موفق تئاتر به‌شمار می‌آید. "رویای ماه"، "برف سفید"، "رویای سحرآمیز" و "برج عقوب" از جمله نمایش‌های عروسکی است که مریم کاظمی به‌عنوان نویسنده، کارگردان ویا عروسک گردان در آن حضور داشته است.

او امسال نمایش "آدم و دیوها" را در دهمین جشنواره بین‌المللی عروسکی تهران - مبارک اجرا می‌کند. این نمایش بعد از بازیابی مجدد گروه داوران به این جشنواره راه‌یافت.

آیا از همان ابتدا این نمایش نامه را برای اجرای عروسکی نوشته بودید؟
متن این نمایش بعد از طرح نمایش سایه متحرک به ذهنم آمد. در واقع متن بعد از طرح اجرا نوشته شد.

اگر ممکن است خلاصه‌ای از داستان را برایمان بیان کنید؟

خانم غول مهربان نمی‌خواهد مثل سایر غولها آدم‌ها را اذیت کند. بنابراین از دنیای غول‌ها رانده می‌شود و... بهتر است خودتان نمایش را در جشنواره ببینید.

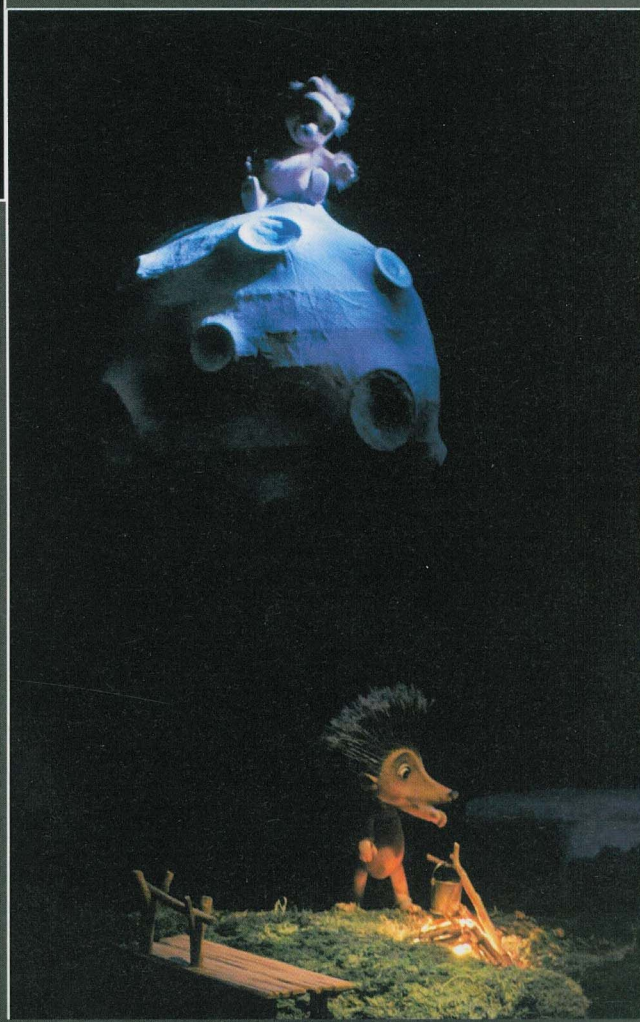
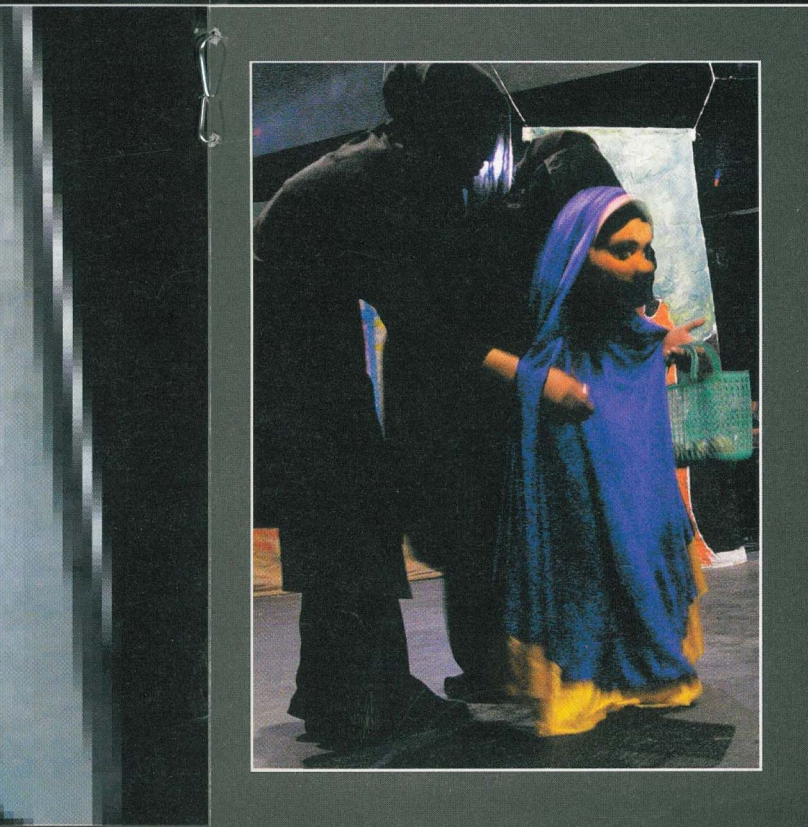
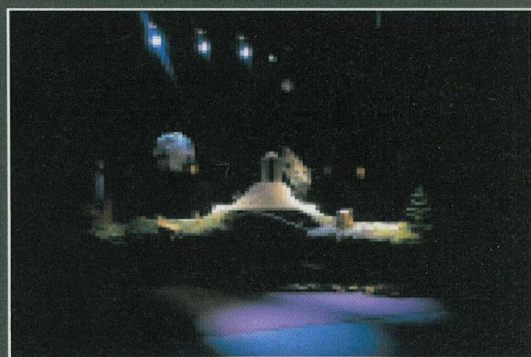
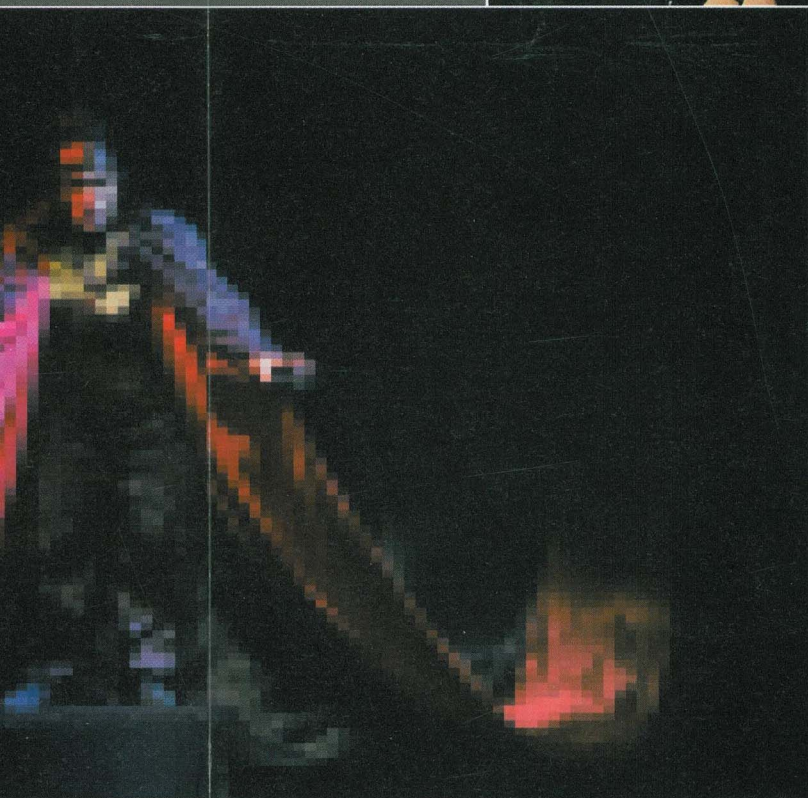
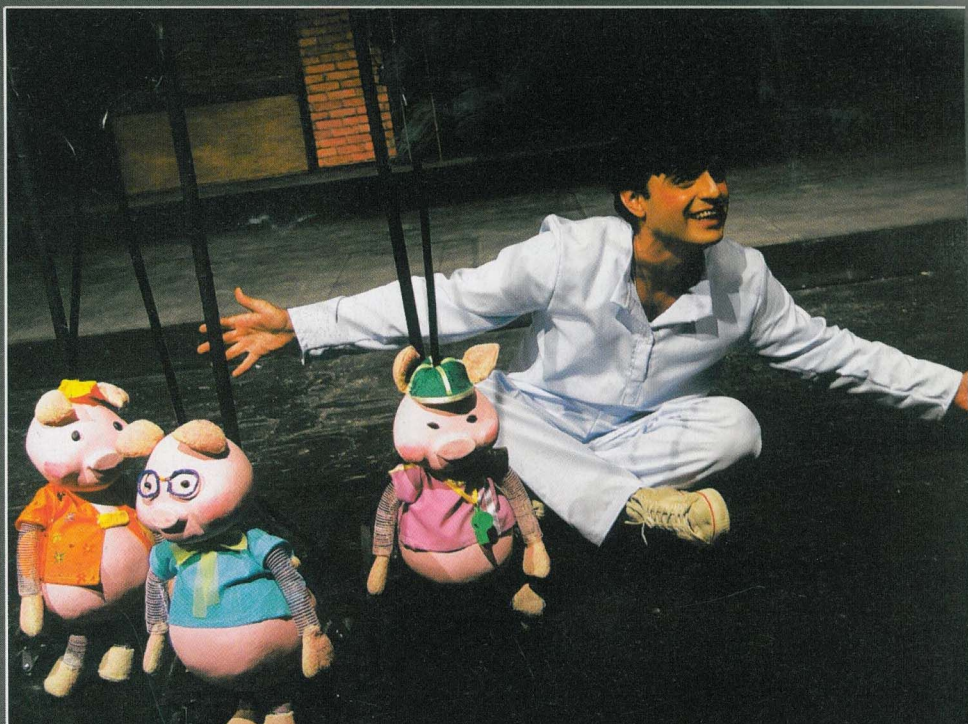
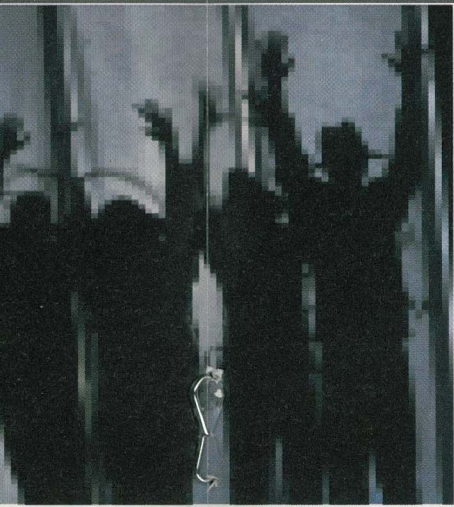
خب، اگر ممکن است درباره تم و موضوع این نمایش صحبت کنید و بگویید با چه ترفند و شیوه‌ای این نمایش را به روی صحنه می‌برید.

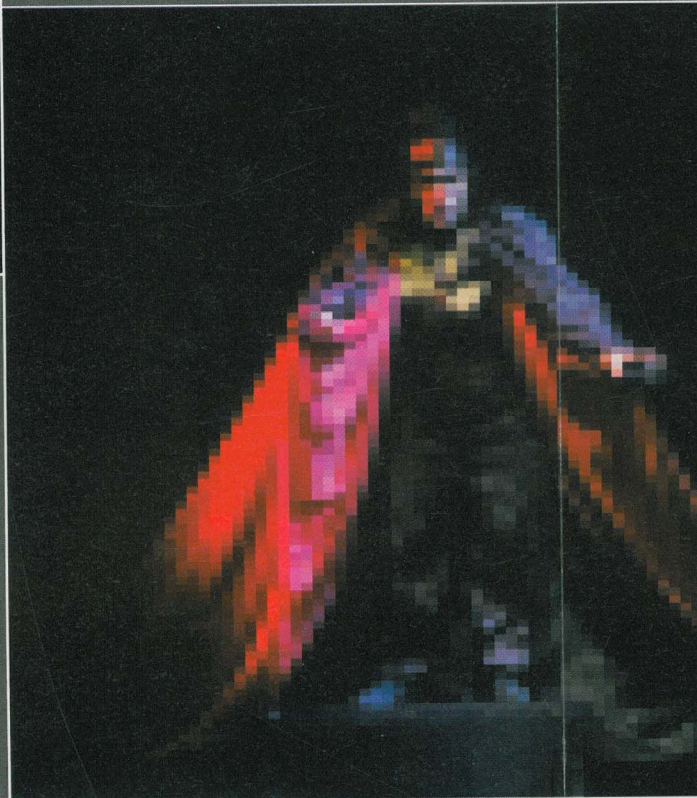
موضوع این نمایش درباره دیوهای درون آدم‌ها و دیوهای بیرون آدم‌ها است. در این نمایش سعی شده به شیوه‌ی لطیفی به حضور دیوها و رابطه نزدیک او با زندگی انسان از زمان قصه‌های کودکی برخورد شود. و در نهایت این که انسان بودن برتر از همه باورهای بد و خوب است.

شیوه اجرایی این نمایش به چه صورت است؟

در اجرای این نمایش از سه شیوه‌ی نمایش سایه متحرک، "عروسک دستکشی" و "عروسک نخ" استفاده کردم و آنها را با هم ترکیب کردم. **نظرتان درباره ترکیب هیأت بازخوانی و بازیابی نمایشهای جشنواره چیست؟**

به دلیل این که از اعلام متون پذیرفته شده تا گرفتن جای تمرین و ساخت عروسک‌ها و تمرین و موسیقی و... معمولاً زمان کوتاهی تا بازیابی و جشنواره می‌ماند؛ شاید بهتر باشد ما زمان را محک بزنی و اصلاً شرکت نکنیم. اما وقتی که هستیم و در جشنواره شرکت می‌کنیم، در واقع نظرها را اعلام کرده‌ایم که راضی هستیم.





یادداشتی بر نمایش خرس عروسکی از کشور روسیه

صدای دریا در خلأ

بی تا ملکوتی



باور بودن میمیک و تعداد مفصل‌های قابل حرکت‌شان است به طوری که حتی دهان گربه و چشم‌های خاریشت نیز با میله‌ای قابل تغییر و کنترل است و این نکته به اضافه تبحر خارق‌العاده عروسک‌گردانان در حرکت دادن عروسک‌ها نتیجه‌ای مطلوب داده است. که همانا انتقال مفاهیم و حس‌های نهفته در متن است. بدون نیاز به کلام، عناصر بصری قوی می‌تواند تئاتر را به سوی یک زبان بین‌المللی سوق دهد. همان اتفاقی که در نمایش خرس عروسکی می‌افتد. موسیقی غنی روسی نیز به کمک آلمان‌های دیداری نمایشی می‌آید و درکل نمایش موفق می‌سازد. کاش دوبله هم زمان اما به غایت سر در گم کننده مترجم روس گروه نبود تا مخاطب بیشتر در لذت این نمایش غرق می‌شد.

خرس عروسکی می‌تواند کلاس درس باشد برای هنر جویان تئاتر عروسکی تا ببینند چطور می‌شود باسه‌نور آبی (سراسپات آبی) در فضای خالی، دریا را ساخت باتک فالوی زرد، ماه را و با چند بازوی اضافی در دکور، حرکت قایق در آب، خانه موش کور در زمین و با یک چراغ قرمز، آتش را. چرا که تئاتر عروسکی عرصه تخیل محض است و خلاقیت ناب.

وقتی می‌خواهی تئاتری عروسکی از کشور روسیه ببینی، یقین داری که اثری قابل قبول خواهی دید. چرا که روسیه کشوری است با پشتوانه غنی تئاتر عروسکی و در این عرصه قدمتی تاریخی و طولانی دارد. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین اتفاقات تئاتر عروسکی در این سرزمین رخ می‌دهد و شاهی بر این ادعا نامی بزرگ است: «آبرائسیوف»؛ بزرگ‌ترین عروسک ساز و عروسک‌گردان قرن بیستم که در دوره‌های پیش جشنواره عروسکی، شاهد یکی از آثار شگفت‌انگیز مرکز آن بوده‌ایم. با این تمرکز کوتاه نقبی می‌زنم به نمایش «خرس عروسکی» از کشور روسیه. نمایش شاد برای سنین زیر ده‌سال که با طراحی عروسک جان دار، رنگ، نور و موسیقی، داستانی ساده اما عمیق را مبتنی بر احساسات و شناخت و تجربیات اولیه انسان، مقابل دیدگان ما جان بخشیدند. خرس و خاریشت دو شخصیت اصلی نمایش در میان جنگلی محصور در آب، احساسات پاک بشری را کشف می‌کنند. دوستی، لذت، خجالت، عشق حسادت، غم و حتی مرگ.

تکنیک کاربر مبنای عروسک میله‌ای و عروسک گردانان سیاه پوش در بستر تاریک فضای پشت آنها تعبیه شده و عروسک‌ها در ابعاد واقعی و به صورت رئالیستی طراحی شده‌اند. تنها خرس از این قاعده مستثنی است. ابعاد او کوچک‌تر از مدل اصلی، ساخته شده اما نکته مورد توجه قابل

نگاهی به نمایش "سایه در شب"

زبان جهانی

رضا آشفته

بر زندگی، نمی‌توانند به ارتباط صحیح و لازم برسند. مثلاً در صحنه‌ای زن با یک مرد شیک موبایل به دست می‌خواهد دوست شود، که مدام زنگ‌های موبایل مانع این ارتباط می‌شود. یا در صحنه‌ای دیگر مرد به کابوس وحشتناک تبدیل می‌شود که همانند یک خفاش یا لاشخور حضور ترساننده‌ای برای زن دارد. با مردی نیرومند که تبدیل به سرباز آدمکش می‌شود و جز قطع و قم کردن آدم‌ها کار دیگری نمی‌کند. یا مرد شکمبازه که فقط می‌خورد، آن قدر که از شدت خوردن چاق و فربه روی صندلی‌ای می‌افتد و ما تصویر درون شکم او را بر پرده می‌بینیم که پر از ات و اشغال شده است!!

کارگردان با جایگزینی بازیگر به جای عروسک، بازهم یک قدم پا را به پیش می‌گذارد، تا در این بی‌ارتباطی به عروسک شده آدم‌ها که هیچ اراده‌ای از خود ندارند. تأکید بصری و غیر مستقیم داشته باشد. از طرفی انتخاب زن هنرمند که می‌تواند مظهر زیبایی، لطافت، مهربانی و انسانیت باشد. به تمامی جریانات و اتفاقات سمت و جهت درست و منطقی می‌دهد، تا در این پراکندگی تصویری یک انسجام تحلیلی و تاویلی ممکن شود. بنابراین چند لایگی محتوای اثر - فلسفی، اجتماعی، سیاسی، روانشناختی و غیره نیز همانند هراث مدرنی این امکان را برای تماشای فراهم می‌سازد تا به دلخواه در این اثر هنری سیر کند و در باره آنچه دیده است قضاوت و داوری کند. یا اصلاً نیازی هم به چنین نگرشی نیست. و فقط در حد لازم و کافی از تماشای اثر لذت ببرد.

مهم‌ترین عامل برای اعتبار و بقای "سایه‌های شب" همانا رعایت استتیک بصری و نمایشی است که در نهایت ارتباط قوی و تأثیر گذاری را با تماشای برقرار می‌سازد و اجرا از حد یک اجرا معمولی خارج می‌شود و بانرژی قوی روح و تفکر هر بیننده‌ای را در گیر می‌کند تا نسبت به دنیای پیرامون خود و بی‌ارتباطی‌های آن بی‌تفاوت نباشد.

باتوجه به اینکه نمایش "سایه در شب" با زبان تصویری (حرکت بدون دیالوگ) اجرا می‌شود، هیچ ضرورتی به ارائه خلاصه داستان از طریق بروشور نبوده است، اما در بروشور درباره خلاصه نمایش می‌خوانیم: زن هنرمند در جست‌وجوی همسر آینده و مرد زندگی خود با شخصیت‌های مختلفی برخورد می‌کند که با معیارهای خوشبختی‌اش سازگاری و همخوانی ندارند، در پایان تنها می‌ماند و به هنر خود روی می‌آورد.

آنچه به روی پرده می‌گذرد، که متأثر از گروتسک اروپای شرقی است، با طنز سیاه و هولناکی همراه می‌شود. نمایش با ارائه تصاویر اغراق‌شده از نقص‌های بشری بر این بی‌رابطه‌گیر آدم‌ها صحنه می‌گذارد. و در پایان زن هیچ آدمی را برای پرکردن تنهایی‌هایش نمی‌یابد، بنابراین برای فرار از دنیای پر از وحشت و یافتن آرامش نسبی به سوی هنر - خلق اثر هنری، روی می‌آورد. نمایش "سایه در شب" تمامی عناصر و ویژگی‌های یک اثر کاملاً مدرن را دارد. به روی پرده تصاویر رنگی - شب، ساعت، قلب، شهر جدید، میز، اشک، باران، دریاچه و قایق، سربازان و وحشی‌گری نظامیان، نظامی پروتاریایی و کارگر و چکش و غیره شکل می‌گیرد، تا از این دریچه عوالم ذهنی و رؤیایها و کابوس‌های زن هنرمند به مخاطب که روبرویش نشسته‌است، ایفا شود. بنابراین تصاویر گویا ترین زبان ممکن برای ارتباط با تماشای ایرانی است که اگر قرار بود کلام بر این نمایش سیطره داشته باشد، مطمئناً از میزان ارتباط بین اثر و مخاطب کاسته می‌شد. تا اینجا در می‌یابیم که این گروه هنری که سابقه‌ای پنج‌ساله دارد، به درک درستی برای ارتباط تماشای خارجی رسیده و عناصر نمایشی را طوری طراحی و اجرا می‌کند که در پایان بتواند با هر بیننده‌ای در چار گوشه دنیا ارتباط برقرار کند.

نمایش حرف و حدیثی در چپته دارد که باز هم تحلیل و تاویلی از دنیای امروز است، آدم‌ها بنا به دلایل مختلف - شاید احاطه تکنولوژی از



نگاهی به نمایش "سه بچه خوک"

مرز خلاقیت و سادگی

اصغر دشتی

و خلاصه حیوانات اهلی آشناتر تعریف شده است. اگر نیروی منفی اثر هم از دامان این کلیشه خلاص می شد، می توان گفت نویسنده گام خلاق خود را کامل تر برداشته است. همانطور که پیشتر نیز عنوان شد، انتخاب خصائل چندان بارده سنی پیش دبستانی همخوانی ندارد؛ اینکه یکی علاقه مند به تیم فوتبال است و دیگری فلوت می نوازد و آخری کتاب می خواند نمی تواند نسبت دقیقی با این رده سنی برقرار کند. اما با این حال نویسنده در پرداختن از واژگان ساده، جمله بندی های قابل درک و روایت روان و متناسب با سن پیش دبستانی استفاده می کند. این نکته و درک مخاطب در روایت اثر نشانگر دقت نویسنده است، اما گاهی بازیگران در صحنه، واژگان و اصطلاحاتی مثل "رجز می خونی؟!" را مورد استفاده قرار می دهند که در یک جمله فاصله مخاطب را از خود زیاد می کند. و اما اگر بخواهیم مشخص تر در باره اجرا بگوییم باید از رنگ و لعابی که کودک با آن روبرو می شود آغاز کرد. رنگ لباس دو بازیگر نمایش که اثر را به شکل زنده عروسکی اجرا می کنند رنگی متفاوت با رنگ هایی است که معمولاً مورد استفاده در این موارد قرار می گیرد، اما رنگ های موجود هم بیشتر به لباس خواب یا لباس بیماران در بیمارستان نزدیک است. در حالی که طراح صحنه در طراحی و انتخاب رنگ ها هم از فانتزی بهره برده، هم طراحی کاربردی را در خدمت کارگردان می گذارد و هم اینکه ریشه در نقاشی های ساده کودکان دارد.

راویان نمایش گاهی مخاطب کودک خود را مورد خطاب مستقیم قرار می دهند ولی رابطه خود را با او حفظ و تداوم نمی بخشند. تلاش آنها برای ایجاد محیطی سرگرم کننده (شاید به دلیل عدم حضور مخاطب کودک) بیشتر تبدیل به تلاشی برای ارائه صرفاً معنا تبدیل می شود.

نکته دیگر اینکه عروسکی بودن اثر در مرز بین خلاقیت و سادگی باقی می ماند. همواره تئاتر عروسکی به واسطه تکنیک های باور نکردنی و شگفت انگیز و اجرای قدرتمند است که در ذهن ها می ماند. در غیر این صورت اثر می تواند دروازه سادگی خلاقانه خود، حیرت مخاطب را برانگیزد. "سه بچه خوک" در طراحی عروسک و عروسک گردانی از سادگی زیبایی برخوردار است. ولی همین سادگی گاهی به نقطه ضعف اثر تبدیل می شود و در عروسک گردانی جلو هرگونه جان بخشی به عروسک و ایجاد باور در مخاطب را می گیرد. اینکه عروسک گردان ها از عروسک مثل اسباب بازی استفاده می کنند جالب است، اما نباید فراموش کرد که ما با تماشای یک نمایش عروسکی نیاز به باور پذیری داریم.

"سه بچه خوک" اگر بتواند تکلیف مشخص تری از مخاطب مورد نظر خود ارائه دهد، به یقین خالقان آن در نگاه دوباره به اثر ابزار در دست را به سمت خواسته ها و ملزومات رده سنی انتخاب شده هدایت خواهند کرد و در نتیجه اگر این اثر رادر ازدحام مخاطب کودک به تماشا بنشینیم به یقین می توان دقیق تر درباره آن سخن گفت.

وقتی سنی از زمان می گذرد، شاید دشوارترین کار، درک صحیح دوران کودکی باشد. از همین روست که آثار هنری ویژه این سن از پیچیدگی ها و دشواری ها خاص خود برخوردار است.

از یک سو می توان بر این نکته پا فشرد که ادبیات و قصه پردازی های شفاهی معمولاً در سراسر دنیا و به طور خاص در کشور خودمان مقدمه خلق آثار فانتزی و تخیل پردازی برای کودکان است. تأثیر این گونه قصه ها را می توان بر ادبیات داستانی کودکان، سینمای کودک نوجوان و به طور خاص تئاتر کودک نوجوان دید. سن کودک سن در حال رشد است، حتی در تقسیم بندی رده های سنی کودک و نوجوان گاهی به فاصله دو سال رده بندی ها تغییر می کند و به اذعان روانشناسان هر کدام از این رده ها ملزومات خاص خود را می طلبد.

این مقدمه از این جهت آمد که به نظر می آید نمایش "سه بچه خوک" (نمایشی ویژه کودکان) در انتخاب قصه، نوع فانتزی، پرداخت، اجرا، طراحی و... و نوع انتخاب مخاطب خود قابل تأمل است.

ما سالهاست با یک الگوی ثابت و نتیجه گیری مشخص به سراغ کودکان رفته ایم. گاهی این الگوی ثابت خلاقانه مورد استفاده قرار گرفته و گاهی به قول معروف کلیشه ای!

این الگوی ثابت، همواره با یک نتیجه گیری مستقیم همراه بوده و بعضاً این نتیجه گیری در یکی دو جمله به مخاطب ارائه شده است.

بی تردید تماشای یک تئاتر ویژه کودکان بدون حضور کودکان هرگونه نقد و نظر را دشوار می کند. چرا که ارائه نظر تنها با گذر از صافی ذهن منتقد کافی نیست و بر خورد اثر با مخاطب خاص خود و باز خورد آن است که می تواند مورد بحث قرار گیرد.

به هر حال اثر حاضر با تعداد کم مخاطب کودک اجرا شد و این مورد شاید جزو مقتضیات محیط جشنواره است.

دو راوی روایت گر قصه ای هستند که به قول خودشان خواب دیده اند و هر روز آن را تکرار می کنند. ماجرای سه بچه خوک با سه خصلت: یکی علاقه مند به فوتبال، دیگری فلوت و شخصیت مورد تأیید اثر؛ کتابخوان است. انتخاب همین سه خصلت اثر را به اثری متناسب برای رده سنی بالای دبستان تبدیل می کند، اما در همین حال، نوع رفتار راویان با مخاطب و نوع فانتزی استفاده شده در اثر بیشتر با شرایط سنی پیش دبستانی قابل تطبیق است. مثل فانتزی عبور گرگ از لوله بخاری و گیر افتادن او توسط جارو برقی! نویسنده در انتخاب شخصیت های اثر با پیروی از یک الگوی از پیش شناخته شده تلاش کرده است در برخوردی خلاقانه حیوان جدید تری را پیش روی بچه ها قرار دهد. او این بار به سراغ بزغاله و جوجه نرفته و در عوض خوک را جایگزین آن می کند. اما زسمتی نیروی منفی اثر را همان کلیشه گرگ وحشی و بدجنس بر می زند که در ذهن تربیت شده کودک بیشتر برای پرندگان و گوسفندان



An interview with Ghenadi Schogolov, Russian Puppet Director

The voice of Puppets

Translator: Sheila Sasaninia

whenever we mention Russian Puppetry, what comes to mind is the name of Obrazstov, the master of Russian Puppetry but in this year's puppet festival held in Tehran a play called "the puppet bear" directed by Ghenadi Schogolov from the public theatre of the city Saratov beside Olga river, in central Russia is our visitor.

This puppet show is categorized in children's section and has a main feature that is the simultaneous presence of the black dressed manipulators on the stage and a richness in image which was pleasing and much more than our expectation.?

Russian puppetry Especially when aimed at children reminds me of the techniques used by Obraztsov. I mean the kind of performance that besides the simplicity of the props used on stage gives a lot of colour that by which the images are developed.

You've referred to a right thing. Anyway Russian Theatre and even the world has been influenced by Obraztsov but speaking of our group I can say that we have not followed a specific style or method.

You mean for example that the simultaneous presence of puppet manipulators on stage is not a permanent style of yours?

It's exactly as what you said. We at present have about 30 plays ready for presentation in which we use different techniques in puppetry.

What you think will be the effects of these different techniques? When I personally watch a play which gets the puppet ma-

nipulators on stage, I feel closer to the expression that puppets are the external manifestation of our inner selves.

This is something, we could spend a lot of time thinking about it, especially I myself because I work a lot with children and in fact an important part of my life is dedicated to this matter that if one day I was a puppet or if one day I would become a puppet how would I walk, move or perform?

And in other words what rhythm would you adapt? The puppet rhythm are in relation with their body, their colour, the shape of their eyes and even their voice. How do you find a way to the creation of this rhythm? During the rehearsal or after the the playwright is ready?

For us the rehearsal is the most important stage of work. At the time we're doing the rehearsal we think most of all to our puppet's voices and their movements. I recommend to all puppeteers to pay attention to their surroundings.

You seem to be influenced by the course of puppet theatre history, especially after the 19th century, however today there is a tendency towards returning to the 16th and 17th century puppetry, the era in which most of the puppets didn't have a specific face and used to communicate through their body movements.

these are the essential issues in puppetry. We're attached to this creatures (puppets) which we make. Creatures which come to life next to our imagination.

Massima Shuster in Tehran

Massima Shuster who was appointed as the head of UNIMA at the latest congress of UNIMA, yesterday morning entered Tehran to participate in The 10th International Puppet Festival, Tehran Mobarak.

In the first day of his trip to Iran, he watched some Iranian and foreign and open plays and then in a meeting held with Dr. Khosrow Neshan - Director of the Festival - and Mr. Behrouz Gharibpour, Deputy Secretary of the Festival expressed his happiness to be in this year's festival. He also hoped the relation between UNIMA and the Puppet Theatre Society of Iran would endure.?

Shuster will have a press conference during his stay in Iran and will also give speech about single person puppet theatre.

The Golden Budge of the City of "Nish" held to Dr. Neshan

The members of the Serbian theatre group handed the golden budge of the Nish City in the sign of friendship to Mr. Neshan at his office. Based on news by the Public Relation of the Dramatic Arts Center in Tehran. Thanks.?

The first participation of a group from Serbia in Iran the members of this theatre group during a meeting held with the Deputy Secretary of the Festival (Behrouz Gharibpour) handed the golden budge "Nish" to Dr. Neshan.

At this friendly visit the head of the Dramatic Art Center hoped that from now on the cultural relationship and the interchange between the two countries of Iran and Serbia would last and both countries could help each other in order to promote their cultures.?

An interview with Mahmud Farhang, member of the selection committee of the 10th international Puppet festival

The magical world of Puppets

Mahmud Farhang, is a member of the Selection board in this year's festival and there for he could be answering some of our questions regarding the puppet groups, the assessment process in choosing the participating puppet groups and the quality of the plays. He works in the Center for Dramatic Arts and is right now sitting behind his table in a busy room. We take this opportunity to have a short interview with him.

You were in charge for the assessment process of this year's festival. How did you find the festival in terms of the participating groups?

This festival is held every two years and I think we should promote events of this kind in the interest of puppet lovers. We have proposed this festival be made an annual local event and an international once every two years.

In the assessment process we have noticed a growth in the participating groups but not a growth commensurated to a two years period. In comparison with the previous years we've got some new and creative plays which were quite interesting to me. All in all with the time pressure and all the limited facilities the plays are good.

An what about the provincial groups?

In this category, because there is much less

contact between the theatrical groups and the puppet experts, fewer works and plays are selected. Although this year's festival policy indicated that each category would have its own capacity and that was why we were obligated to choose equal quantity of groups in different categories, but we're hoping that provincial theatre groups would progress in the following years by seeing international plays, the same as local ones.

In your opinion what features do puppet plays have, that made you accept the assessment process of this year's festival?

I'm for years a member of the board of international puppet showmen (UNIMA) and have worked for years in this field. That's why I think it would be a pleasure to contribute to this event.

Give us some information about how the plays were categorized in different sections, such as student puppet shows, amateur puppet shows, professional puppet shows and Open air puppet shows?

Every year we've got different policies from the Director of the festival and some groups get chosen in different sections. In this form a tighter competition would dominate the festival, but this year's festival is not a competition one therefore by categorizing the groups, each one would now where to stand.

10TH TEHRAN INTERNATIONAL
PUPPET THEATER FESTIVAL
sep.14,2004

Mobarak



Massima Shuster
in Tehran